

اشتغال آفرینی کشاورزی در منطقه شمال غرب ایران با تأکید بر زیربخش باغبانی*

حجت ورمزیاری^۱، محمد جلال زاده^۲، خلیل کلانتری^۳

با توجه به لزوم کاهش مهاجرت های بی رویه روستائیان، اشتغال آفرینی روستایی ضرورت حیاتی است. این مسئله در مناطقی که تراکم جمعیت روستایی آنها بالا بوده و شرایط مستعدی برای فعالیت های کشاورزی دارند از اهمیت بیشتری برخوردار است. هدف اصلی این مطالعه، بررسی وضعیت اشتغال زایی روستایی در منطقه شمال غرب کشور (استان های آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل و زنجان) و ارائه راهکارهای مناسب در این زمینه است. به این منظور، برخی از مهم ترین ویژگی های جمعیت شناختی و اقتصادی و نیز سیمای عمومی بخش کشاورزی این منطقه بررسی و سپس با میانگین کشوری مقایسه شده است. داده های این تحقیق براساس داده های مرکز آمار ایران و نشریات بانک مرکزی و معاونت برنامه ریزی نظارت راهبردی، جمع آوری و با استفاده از نرم افزار GIS بررسی توصیفی-تحلیلی شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که ۳۱/۳۹ درصد جمعیت کشور در مناطق روستایی زندگی می کنند که میزان این شاخص برای منطقه شمال غرب ۳۷/۶۶ درصد است. براساس شاخص ترکیبی محاسبه شده، کشاورزی در اقتصاد این منطقه نسبت به دیگر مناطق کشور سهم بالاتری دارد. همچنین با وجود سهم تقریباً ۲۳ درصدی بخش کشاورزی از ارزش افزوده استان های این منطقه (این میزان در سطح کشوری فقط ۱۱ درصد است) و نیز با توجه به اینکه ۳۴ درصد اشتغال این منطقه به کشاورزی مربوط است، با این حال بهره وری نیروی کار بخش کشاورزی در کشور به ویژه در شمال غرب، پایین بوده و پدیده بیکاری پنهان در آن مشهود است. بنابر یافته های مطالعه، می توان با انتقال نیروی کار مازاد کشاورزی از زیربخش زراعت به زیربخش باغبانی و نیز احداث مجتمع های گلخانه ای در میان مدت و توسعه صنایع جانبی مرتبط با باغبانی در درازمدت، زمینه مساعدتری را درخصوص اشتغال زایی روستایی بهره ور ایجاد کرد.

واژگان کلیدی: اشتغال آفرینی؛ بخش کشاورزی؛ صنایع جانبی؛ مهاجرت روستایی

مقدمه

نظر به این که در حال حاضر میان عرضه و تقاضای بازار کار، شکاف زیادی وجود دارد و این مسئله سبب افزایش نرخ بیکاری شده است، از این رو لزوم سرمایه گذاری برای اشتغال آفرینی سریع و زودبازده، بسیار مهم تلقی می شود. این موضوع در روستاها وقتی اهمیتی بیشتری می یابد که عوارض و عواقب ناشی

*- برگرفته از نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۶۳

۱- دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران؛

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان؛

۳- دانشیار دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران؛

از تخلیه طبقه میانی هرم سنی جمعیت از روستاها و مهاجرت آنان به شهرها، مورد تأمل قرار گیرد. فزونی عرضه نسبت به تقاضای نیروی کار در نواحی شهری زمانی روی می دهد که کشاورزی به امید صنعتی شدن، در حاشیه قرار می گیرد. در چنین اوضاعی، خیل نیروی کار که اغلب فاقد مهارت های لازم برای مشاغل فنی و تخصصی اند، از روستاها وارد شهرها می شوند (مؤمنی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۶۵۳-۶۲۲). طبق پیش بینی های سازمان ملل متحد، ایران از جمله کشورهایی است که روند رشد شهرنشینی و کاهش سهم جمعیت روستایی سریعی خواهد داشت (Department of Economic and Social Affairs, 2004). آمار بانک مرکزی نشان می دهد که جمعیت روستایی در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال ۱۳۸۳، رشد منفی ۰/۵ درصدی داشته است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵).

آخرین داده های مرکز آمار ایران نیز نشان می دهد گرایش به شهرنشینی و تمرکز جمعیت در شهرها به تغییراتی در رشد جمعیت مناطق شهری و روستایی منجر شده است، به طوری که رشد سالیانه جمعیت در مناطق شهری کشور در فاصله سال های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ برابر با ۲/۷۴ درصد و در مناطق روستایی ۰/۴۴- درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷). مهاجران روستایی، معمولاً افرادی هستند که در سنین فعالیت اند و به امید کسب درآمد بیشتر اقدام به مهاجرت می کنند. به نظر پرسون و بولین کاهش اشتغال در بخش کشاورزی و جنگل، سبب ایجاد عدم تعادل های اقتصادی منطقه ای شده است (Persson and Bolin, 1981: 499-518)

با توجه به این مشکلات، طراحی راهبردی جامع و تعریف تاکتیک های متناسب با آن، برای نیل به اشتغال آفرینی روستایی و غلبه بر ناهنجاری هایی چون فقر روستایی، تخلیه نیروی کار و ایجاد توازن بین جمعیت روستایی و شهری بسیار ضروری و حیاتی به نظر می رسد. الیوت (۱۳۷۸) نیز ایجاد معیشت پایدار روستایی را برای کل جمعیت، امر مهم و اساسی قلمداد کرده است. در این خصوص، انجمن اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد تأکید کرده است که توسعه به کارگیری رهیافت های کاربردی می تواند سبب ایجاد فرصت های جدید شغلی، افزایش درآمد کارگران روستایی و مهارت های جدید شود (ECOSOC, 2006).

اشتغال آفرینی مبتنی بر کشاورزی، یکی از راه حل های مهمی است که می تواند در تحقق این امر مؤثر باشد. به طور کلی طبق اعلام نشست انجمن اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶، امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به خصوص کشورهای جنوبی صحرای آفریقا و آسیای جنوبی، هنوز کشاورزی عمده ترین بخشی است که نیروی کار به ویژه زنان را جذب خود کرده است (Ibid).

البته این وضعیت در مورد ایران نیز صدق می کند. در واقع، هرچند اقتصاد روستایی شامل سه بخش کشاورزی، صنایع و خدمات است، ولی می توان گفت هم اکنون بخش کشاورزی مهم ترین بخش اقتصادی روستایی ایران است، برای نمونه طبق برآوردهای مرکز آمار، در سال ۱۳۸۶، ۵۱/۷ درصد از فرصت های شغلی مردان روستایی، ۶۴/۹ درصد از فرصت های شغلی زنان روستایی و ۵۵ درصد از اشتغال کل جمعیت روستایی کشور را تشکیل داده است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۶). از سویی کشاورزی به ویژه در کوتاه مدت از ظرفیت بالایی برای غلبه بر بحران بیکاری برخوردار است و با ثبات ترین بخش اقتصادی ایران بوده و کمترین اثرپذیری را از شوک های برون زا دارد (مؤمنی، ۱۳۸۳: ۶۵۳-۶۲۲). این بخش به دلیل برخورداری از برخی ویژگی ها، مزیت های نسبی فراوانی برای اشتغال زایی در نواحی روستایی دارد که می توان به مواردی از آن اشاره کرد. از یک سو ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی نسبت به صنعت اقتصادی تر است، به طوری که هزینه متوسط اشتغال آفرینی آن بسیار پایین تر از صنعت است و برای ایجاد اشتغال، به سرمایه گذاری ارزی کمتری نیاز دارد. نتایج مطالعه زاهدی و کازرونی (۱۳۷۹)، نشان می دهد که وابستگی صنعت به مواد واسطه ای وارداتی بیش از پنج برابر وابستگی بخش کشاورزی به این مواد است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳: ۵۳).

از سوی دیگر، ایران در تولید محصولات باغی رتبه های ممتاز جهانی دارد که این مزیت می تواند زمینه ساز ورود مؤثر ایران به بازارهای جهانی و عرصه صادرات باشد که جزئیات بیشتر آن در جدول ۱ ارائه شده است. طبق این جدول، در سال ۲۰۰۷، ارزش تولیدات ۲۳ محصول ایران، در زمره بیست کشور برتر دنیا قرار داشته که البته رتبه آن در ۱۰ محصول زیر ۵ و در ۹ محصول بین ۶ تا ۱۰ بوده است. از کل ۲۳ محصول یاد شده، چهارده محصول (بدون احتساب سیب زمینی، گوجه فرنگی و چای) متعلق به زیربخش باغبانی است. این امر همان طور که ذکر شد، توان جهانی ایران در تولید محصولات کشاورزی- به ویژه زیر بخش باغبانی- و حضور در بازارهای جهانی و ارزآوری را نشان می دهد. البته عزیزی و یزدانی (۱۳۸۳: ۷۲-۴۱) نیز

براساس یافته های خود، باغبانی را یکی از زیربخش های مهمی معرفی کرده اند که دارای اهمیت اقتصادی و ارزش آوری بالایی است. نکته امیدوار کننده این است که، جایگاه جهانی اغلب محصولات از سال ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۵-۱۳۵۷) بهبود چشمگیری داشته است. همچنین فرصت بکری که در این زمینه وجود دارد، استفاده از رشد عملکرد این محصولات است (زاهدی و کارزونی، ۱۳۷۹).

به بیان دیگر، کسب جایگاه ها جهانی مذکور، در شرایطی محقق شده که عملکرد در واحد سطح ایران بسیار کمتر از میزان این شاخص در کشورهای توسعه یافته است. بنابراین با پیش بینی تمهیدات لازم می توان توان رقابتی بخش کشاورزی را بهبود اساسی داد. مزیت دیگری که در خصوص اشتغال آفرینی کشاورزی محور وجود دارد، آن است که با توجه به ارتباط های پسین و پیشینی که این بخش با دیگر بخش ها دارد، از قابلیت تکاثری کارآفرینی و اشتغال زایی بیشتری برخوردار بوده و تقویت و توسعه آن به ایجاد زنجیره ای از فرصت های جدید شغلی منجر می شود.

جدول ۱ - مقام جهانی ایران در تولیدات کشاورزی طی سال های ۲۰۰۷-۱۹۷۹ (۱۳۸۵-۱۳۵۷)

ردیف	نام محصول	۱۹۷۹		۲۰۰۷	
		رتبه	ارزش تولید (هزار دلار بین المللی)	رتبه	ارزش تولید (هزار دلار بین المللی)
۱	پسته	۳	۲۹۷۴۶	۱	۷۶۰۱۸۴
۲	هندوانه	۴	۱۵۶۴۰۵	۲	۳۴۴۰۹۱
۳	خرما	۴	۹۴۰۴۱	۲	۳۱۳۴۷۰
۴	خیار	۵	۱۰۱۲۱۴	۲	۲۹۰۱۴۶
۵	زردآلو	۸	۲۰۰۱۳	۲	۱۰۱۸۸۹
۶	سیب	۶	۱۸۸۹	۳	۷۶۴۰۰۵
۷	گیلاس و آلبالو	۱۱	۴۲۷۵۳	۳	۱۹۶۳۱۷
۸	سایر میوه جات تازه	۹	۳۱۹۰۲	۴	۲۲۳۳۱۴
۹	بادام بدون پوست	۴	۵۰۱۳۹	۴	۱۱۴۹۰۳
۱۰	شیر گوسفند	۳	۱۷۹۲۸۳	۶	۱۸۱۲۱۸
۱۱	پیاز خشک	۱۰	۹۴۹۰۹	۷	۳۱۳۲۹۳
۱۲	انگور	۱۶	۴۲۸۶۴۳	۷	۱۳۹۱۷۰۰
۱۳	گوجه فرنگی	*	*	۷	۱۱۸۴۶۵۰
۱۴	پرتقال	۱۷	۶۱۱۵۷	۸	۴۰۴۲۰۲
۱۵	شیر بز	۲	۱۸۰۵۶۲	۸	۱۲۳۵۹۰
۱۶	گوشت جوجه محلی	*	*	۱۰	۱۴۵۳۲۱۹
۱۷	سیب زمینی	*	*	۱۰	۷۲۹۶۰
۱۸	چای	۱۱	۳۳۱۲۴	۱۰	۶۴۹۵۰
۱۹	سایر سبزیجات تازه	*	*	۱۳	۳۲۸۳۸۷
۲۰	سایر مرکبات	۱۱	۱۰۷۷۶	۱۳	۲۴۴۲۵
۲۱	گندم	۱۳	۷۷۰۰۵۵	۱۴	۱۱۶۹۶۰۳
۲۲	چغندر قند	۱۶	۱۷۶۰۲۷	۱۴	۲۴۳۹۵۹
۲۳	تخم مرغ	*	*	۱۵	۵۴۳۵۴۳

* ایران در سال مذکور، جزء بیست کشور برتر دنیا نبوده است.

در سال ۲۰۰۷، آمار محصولات فوق به جز گندم که آمار آن غیررسمی است، براساس برآوردهای فائو است. در سال ۱۹۷۹ نیز، آمار محصولات انگور و خرما غیررسمی، آمار محصولات پسته، چای، گندم، چغندر قند و پیاز خشک واقعی و آمار بقیه

محصولات براساس برآوردهای فائوست. Source: <http://faostat.fao.org/site/339/default.aspx>

البته با وجود این مزایا، کشاورزی به تنهایی ظرفیت عرضه فزاینده نیروی کار را ندارد. بررسی آمار دو دهه اخیر بیانگر آن است که به رغم خروج نیروی کار از بخش کشاورزی، تولید سرانه افزایش یافته که این روند حاکی از وجود بیکاری پنهان و نیروی مازاد در بخش کشاورزی می باشد (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳: ۶۷-۴۱). هدایت نیروی کار روستایی به بخش کشاورزی و تحمیل آن به بخش، معضلی است که سبب کوچکی قطعات کشاورزی و تراکم بیش از حد واحدهای بهره برداری در واحد سطح شده و در نهایت بهره وری نیروی کار را کاهش می دهد.

۱ - هدف تحقیق

یکی از چالش های اساسی توسعه پایدار کشاورزی در ایران، رشد فرصت های شغلی، در عین بهبود بهره وری کشاورزان است. بنابراین باید با مطالعه دقیق ظرفیت زیربخش های مختلف کشاورزی در اشتغال زایی، براساس توانمندی های آمایشی مناطق مختلف، ضمن مبارزه با بیکاری پنهان و تحقق افزایش بهره وری نیروی کار، به مدیریت صحیح و مؤثر منابع انسانی مازاد پرداخت تا علاوه بر تضمین بهبود تولیدات کشاورزی و تأمین امنیت غذایی، مانع از مهاجرت بی رویه روستائیان به شهرها شد. براساس آنچه بیان شد مقاله حاضر، به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه می توان، در استان های شمال غرب، ضمن افزایش بهره وری بخش کشاورزی، از قابلیت های نهفته آن برای اشتغال آفرینی روستایی استفاده کرد؟

۲ - روش شناسی

در این پژوهش به منظور پاسخ گویی دقیق تر و عینی تر به چالش اساسی فوق و کاربردی تر کردن نتایج تحقیق، منطقه شمال غرب کشور - شامل استان های آذربایجان غربی و شرقی، اردبیل و زنجان - به عنوان محدوده مکانی در نظر گرفته شده است - همچنین زیربخش های زراعت، باغبانی و صنایع جانبی وابسته به آن، به عنوان محدوده موضوعی مورد بحث قرار گرفته است. به بیان دیگر برای پرهیز از پراکندگی مباحث در این پژوهش، فقط اشتغال مبتنی بر کشاورزی در سه حیطه موضوعی فوق و نحوه انتقال نیروی کار در بین آنها بررسی شده است. داده های این تحقیق از نوع ثانویه بوده و از آمارهای وزارت جهاد کشاورزی، مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور (سازمان مدیریت و برنامه ریزی سابق) جمع آوری گردیده است. برای ارائه سیمای بخش کشاورزی در چهار استان شمال غرب کشور، از آمارها و شاخص هایی چون میانگین، ضرب تغییرات، شاخص ترکیبی، نقشه و ... استفاده شده است. برای ترسیم جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد استان ها از شاخص ترکیبی حاصل از مجموع شاخص های سهم کشاورزی از اشتغال استان و سهم کشاورزی از ارزش افزوده استان استفاده شده است. از دیگر شاخص هایی که در این مطالعه اندازه گیری شده است، می توان به سهم استان ها از ارزش افزوده کشاورزی کشور، درصد بهره برداران باسواد، درصد بهره برداران با سواد تخصصی (فوق دیپلم و بالاتر)، سهم استان ها از اراضی باغی و قلمستان و زراعی کشور، سهم اراضی باغی و قلمستان و تعداد گلخانه های کشور، سهم استان ها از بهره برداری های زراعی و باغی و قلمستان کشور، تعداد بهره برداری ها در هر هکتار زمین کشاورزی، باغی و زراعی، درصد جمعیت روستایی، درصد خانوار معمولی ساکن از کل بهره برداران کشاورزی و ... اشاره کرد. در این پژوهش سهم بخش کشاورزی از ارزش افزوده و اشتغال در پهنه سرزمین، در نقشه ۱ با نرم افزار GIS ارائه شده است.

۳ - یافته ها

پیش از پاسخ گویی به چالش توأم سازی رشد اشتغال کشاورزی و بهبود نیروی کار آن، براساس تعدادی شاخص مهم، به بررسی میزان وابستگی اقتصاد منطقه مورد مطالعه به بخش کشاورزی، پرداخته می شود.

همان طور که در جدول ۲ آمده است، در سال ۱۳۸۵، ۳۱/۳۹ درصد از جمعیت ساکن کشور در روستاها زندگی می کردند که میزان این شاخص در منطقه شمال غرب به طور متوسط ۳۷/۶۶ درصد بوده است که فراوانی نسبی درصد جمعیت روستایی این منطقه را نشان می دهد. از بین چهار استان، زنجان با ۴۲/۰۱ درصد، بیشترین جمعیت روستانشین را دارا بوده است. بطور کلی براساس تقسیم بندی مرکز آمار ایران، بهره برداری های کشاورزی به چهار گروه خانوار معمولی ساکن، بهره بردار غیرساکن، خانوار معمولی غیرساکن و شرکت رسمی یا مؤسسه عمومی تقسیم می شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳). از میان این گروه ها درصد خانوارهای معمولی ساکن، می تواند شاخص بسیار مهمی برای تعیین درجه اهمیت توجه به اشتغال آفرینی روستایی و بهبود وضعیت کشاورزی باشد. با توجه به یافته های تحقیق، غالب بهره برداری های کشاورزی استان ها از نوع خانوار معمولی ساکن می باشند. همان طور که در جدول ۲ آمده است از نظر درصد خانوارهای معمولی ساکن از کل بهره برداری های استان زنجان مقام دوم و آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل به ترتیب رتبه های پنجم، یازدهم و سیزدهم را دارند. بنابراین به طور نسبی، کشاورزان این منطقه به طور عمده در روستاها ساکن بوده و به فعالیت های کشاورزی وابستگی بیشتری دارند. این موضوع، اهمیت توجه به توسعه کشاورزی و صنایع جانبی آن را در شمال غرب کشور بیش از پیش نمایان می سازد. البته با وجود وابستگی زیاد منطقه شمال غرب به کشاورزی، یافته های مطالعه حاکی از این است که سرمایه انسانی بخش کشاورزی این منطقه در مقایسه با متوسط کشوری، از وضعیت بدتری برخوردار است، بطوری که براساس سرشماری کشاورزی سال ۱۳۸۲، میزان بهره برداران باسواد کشور حدود ۵۴/۶۵ درصد و میانگین استان های شمال غرب ۴۹/۸۶ درصد اعلام شده بود که بیانگر پایینی سطح سواد بهره برداران در این استان ها می باشد. براساس جدول ۲ میزان بهره برداران کشاورزی متخصص (دارای مدرک فوق دیپلم و بالاتر) از کل کشاورزان باسواد، برای کشور ۱/۴۷ درصد است، در حالی که متوسط این میزان برای استان های مورد مطالعه ۱/۱۲ درصد بوده است. این آمار می تواند یکی از دلایل پایین بودن راندمان و بهره وری نیروی کار در بخش کشاورزی به طور عام و کشاورزی منطقه شمال غرب به طور خاص باشد.

۱- خانوارهای بهره بردار کشاورزی، در محدوده آبادی یا شهر محل سکونت خود دارای بهره برداری کشاورزی اختصاصی بوده و یا در مدیریت یک یا چند بهره برداری شریک اند.

جدول ۲ - شاخص های جمعیتی به تفکیک استان های کشور (۱۳۸۲)

ردیف	نام استان	درصد جمعیت روستایی		درصد خانوار معمولی ساکن از کل بهره برداری ها		درصد بهره برداران کشاورزی با تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر، از کل بهره برداران باسواد	
		رتبه	درصد	رتبه	درصد	رتبه	درصد
۱	آذربایجان شرقی	۲۰	۳۳/۳۲	۵	۸۸/۶۱	۲۰	۵۰/۵۱
۲	آذربایجان غربی	۱۶	۳۹/۹۷	۱۱	۸۴/۷۱	۲۶	۴۶/۸۶
۳	اردبیل	۱۲	۴۱/۵۷	۱۳	۸۲/۵۳	۲۴	۴۸/۸۴
۴	اصفهان	۲۸	۱۶/۶۵	۱۷	۸۰/۸۶	۵	۶۱/۹۱
۵	ایلام	۱۷	۳۸/۶۱	۲۶	۷۱/۲۰	۲۲	۴۹/۳۱
۶	بوشهر	۱۹	۳۴/۲۳	۱۴	۸۲/۳۴	۱۲	۵۷/۲۴
۷	تهران	۲۹	۸/۶۵	۳۰	۵۹/۷۷	۱	۷۵/۰۸
۸	چهارمحال و بختیاری	۷	۴۸/۳۳	۱	۹۱/۹۲	۱۷	۵۱/۷۴
۹	خراسان جنوبی	۶	۴۸/۴۴	۲۳	۷۵/۱۶	۱۹	۵۱/۴۸
۱۰	خراسان رضوی	۲۴	۳۱/۸۲	۲۲	۷۷/۸۹	۱۱	۵۹/۰۷
۱۱	خراسان شمالی	۳	۵۱/۰۶	۱۲	۸۳/۶۷	۱۶	۵۲/۶۷
۱۲	خوزستان	۲۲	۳۲/۳۷	۱۹	۸۰/۶۶	۲۸	۴۴/۳۶
۱۳	زنجان	۱۱	۴۲/۰۱	۲	۹۰/۷۶	۱۵	۵۳/۶۱
۱۴	سمنان	۲۶	۲۵/۳۰	۲۷	۶۵/۲۳	۴	۶۲/۵۴
۱۵	سیستان و بلوچستان	۵	۵۰/۱۵	۴	۸۸/۶۶	۳۰	۳۴/۰۷

ردیف	نام استان	درصد جمعیت روستایی		درصد خانوار معمولی ساکن از کل بهره برداری ها		درصد بهره برداران باسواد		درصد بهره برداران کشاورزی با تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر، از کل بهره برداران باسواد	
		رتبه	درصد	رتبه	درصد	رتبه	درصد	رتبه	درصد
۱۶	فارس	۱۸	۳۸/۰۶	۲۱	۷۷/۹۷	۷	۶۰/۹۰	۱۰	۱/۵۱
۱۷	قزوین	۲۳	۳۱/۹۵	۱۵	۸۲/۳۴	۶	۶۱/۱۰	۲۴	۱/۰۵
۱۸	قم	۳۰	۶/۱۲	۲۴	۷۲/۰۶	۱۰	۵۹/۵۶	۱۳	۱/۴۷
۱۹	کردستان	۱۴	۴۰/۵۱	۱۰	۸۵/۱۳	۲۹	۴۲/۰۶	۲۷	۰/۹۶
۲۰	کرمان	۱۳	۴۱/۰۹	۲۹	۶۱/۳۶	۱۸	۵۱/۶۵	۲	۲/۲۲
۲۱	کرمانشاه	۲۱	۳۲/۹۲	۲۵	۷۱/۸۵	۲۳	۴۹/۰۵	۱۵	۱/۴۴
۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	۲	۵۲/۰۰	۸	۵۸/۶۸	۲۱	۵۰/۱۵	۳	۲/۱۱
۲۳	گلستان	۴	۵۰/۶۸	۶	۸۸/۵۴	۹	۶۰/۱۸	۸	۱/۵۸
۲۴	گیلان	۹	۴۶/۱۲	۱۸	۸۰/۶۶	۸	۶۰/۶۷	۱۴	۱/۴۷
۲۵	لرستان	۱۵	۴۰/۲۸	۲۰	۷۸/۰۳	۲۵	۴۷/۳۰	۲۰	۱/۳۰
۲۶	مازندران	۸	۴۶/۸۲	۱۶	۸۱/۰۳	۲	۶۴/۵۴	۴	۲/۱۰
۲۷	مرکزی	۲۵	۳۰/۹۴	۹	۸۵/۳۳	۱۳	۵۶/۳۳	۲۵	۱/۰۱
۲۸	هرمزگان	۱	۵۲/۷۶	۳	۹۰/۷۵	۲۷	۴۶/۸۲	۲۱	۱/۱۹
۲۹	همدان	۱۰	۴۲/۳۴	۷	۸۷/۴۴	۱۴	۵۵/۲۷	۲۸	۰/۹۱
۳۰	یزد	۲۷	۲۰/۲۹	۲۸	۶۵/۱۳	۳	۶۳/۶۷	۱۶	۱/۴۴

مأخذ: یافته های تحقیق، براساس آمارهای مرکز آمار ایران، سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵.

توجه: به جز آمار شاخص درصد جمعیت روستایی که به سال ۱۳۸۵ مربوط است، داده های دیگر شاخص ها متعلق به سال ۱۳۸۲ است.

همچنین شاخص های اقتصادی، تصویر روشن تری از اهمیت بخش کشاورزی این منطقه را ارائه می دهند (نقشه ۱). بنابر یافته های تحقیق، در سال ۱۳۸۲، سهم کشاورزی از ارزش افزوده کشور، حدود ۱۱ درصد بوده که متوسط این سهم در استان های شمال غرب کشور ۲۳/۲۲ درصد است. بر همین اساس در سال ۱۳۸۵، سهم کشاورزی در اشتغال، در کل کشور ۲۰/۵ درصد اعلام شده، در حالی که در هر چهار استان مورد مطالعه، سهم مذکور بالاتر از این رقم بوده و میانگین آن به ۳۴/۰۸ درصد رسیده است (جدول ۳). البته با وجود این که در این استان ها، کشاورزی سهم بالایی در اشتغال و نیز تبیین ارزش افزوده داشته و از میانگین کشوری بالاتر بوده است، ولی این استان ها سهم کمتری از ارزش افزوده کشاورزی کل کشور به خود اختصاص داده اند، به گونه ای که به طور متوسط هر یک از این استان ها تنها ۳/۵۶ درصد ارزش افزوده کشاورزی کشور را دارا بوده اند (جدول ۳). این روند همچنان که در جدول ۴ و نقشه ۱ مشخص شده، حاکی از این بیکاری پنهان و پایین بودن بهره وری نیروی کار کشاورزی در منطقه شمال غرب است.

همچنین شاخص ترکیبی، با استفاده از دو شاخص سهم کشاورزی در تعیین ارزش افزوده و اشتغال هر استان و به منظور ارائه تصویر جامع تری از جایگاه کشاورزی در اقتصاد هر یک از استان ها محاسبه گردید که این شاخص نیز بیانگر اهمیت کشاورزی در اقتصاد منطقه است. طبق یافته های تحقیق، استان اردبیل با شاخص ترکیبی ۷۳/۸۶ و استان تهران با شاخص ترکیبی ۴/۸۲، به ترتیب بیشترین و کمترین وابستگی را به بخش کشاورزی داشتند (جدول ۵). استان های زنجان، آذربایجان غربی و شرقی نیز از نظر میزان وابستگی به کشاورزی در رده های چهارم، پنجم و نوزدهم قرار گرفتند. به طور کلی، متوسط این میزان برای چهار استان مورد مطالعه، ۵۷/۳۴ و برای کل کشور ۴۲/۱۸ است.

جدول ۳ - سهم کشاورزی از اشتغال و ارزش افزوده و سهم هر استان از ارزش افزوده بخش کشاورزی، به تفکیک استان های کشور

ردیف	نام استان	سهم کشاورزی در اشتغال هر استان (۱۳۸۵)		سهم ارزش افزوده کشاورزی هر استان از کل ارزش افزوده آن (۱۳۸۲)	
		رتبه	درصد	رتبه	درصد
۱	آذربایجان شرقی	۱۶	۲۴/۶۰	۱۸	۱۳/۹۵
۲	آذربایجان غربی	۷	۳۴	۸	۲۲/۴۱
۳	اردبیل	۱	۴۲/۳۰	۱	۳۱/۵۶
۴	اصفهان	۲۸	۱۲/۱۰	۲۳	۹/۸۷
۵	ایلام	۲	۳۹/۹۰	۲۰	۱۲/۵۴
۶	بوشهر	۲۴	۲۰/۳۰	۲۷	۳/۱۰
۷	تهران	۳۰	۲/۷۰	۲۸	۲/۱۲
۸	چهارمحال و بختیاری	۲۶	۱۸/۴۰	۶	۲۶/۱۲
۹	خراسان جنوبی	۸	۳۲/۸۰		
۱۰	خراسان رضوی	۱۳	۲۷/۸۰	۱۲	خراسان ۱۸/۴۵
۱۱	خراسان شمالی	۴	۳۶		
۱۲	خوزستان	۲۳	۲۰/۶	۲۵	۴/۶۸
۱۳	زنجان	۵	۳۵/۴	۷	۲۴/۹۵
۱۴	سمنان	۲۵	۱۹/۷	۱۱	۱۹/۷۷
۱۵	سیستان و بلوچستان	۲۱	۲۱/۲	۱۷	۱۴/۱۹

سهم هر استان ارزش افزوده کشاورزی کشور (۱۳۸۲)		سهم ارزش افزوده کشاورزی هر استان از کل ارزش افزوده آن (۱۳۸۲)		سهم کشاورزی در اشتغال هر استان (۱۳۸۵)		نام استان	ردیف
رتبه	درصد	رتبه	درصد	رتبه	درصد		
۲	۸/۷۷	۱۰	۲۰/۹۸	۲۰	۲۱/۵۰	فارس	۱۶
۱۷	۲/۳۳	۱۵	۱۷/۸۰	۱۵	۲۴/۷۰	قزوین	۱۷
۲۷	۰/۸۹	۲۴	۹/۸۴	۲۹	۵/۲۰	قم	۱۸
۲۰	۱/۷۰	۱۳	۱۸/۱۱	۱۰	۳۰/۸۰	کردستان	۱۹
۴	۶/۶۶	۳	۲۹/۱۲	۶	۳۴/۵۰	کرمان	۲۰
۱۶	۲/۴۸	۱۴	۱۸/۰۶	۱۴	۲۷/۴۰	کرمانشاه	۲۱
۲۵	۱/۰۲	۲۶	۳/۱۲	۳	۳۶/۹۰	کهگیلویه و بویراحمد	۲۲
۱۰	۴/۰۵	۲	۳۱/۱۲	۱۱	۳۰/۷۰	گلستان	۲۳
۱۲	۳/۷۸	۱۶	۱۷/۴۷	۱۸	۲۳/۶۰	گیلان	۲۴
۱۴	۲/۵۹	۹	۲۲	۹	۳۱/۸۰	لرستان	۲۵
۳	۸/۷۶	۵	۲۶/۱۳	۱۹	۲۲/۲۰	مازندران	۲۶
۱۵	۲/۵۲	۲۱	۱۲/۱۴	۱۷	۲۴/۳۰	مرکزی	۲۷
۱۹	۱/۹۵	۲۲	۱۱/۵۴	۲۲	۲۰/۸۰	هرمزگان	۲۸
۱۱	۳/۸۷	۴	۲۷/۶۶	۱۲	۲۷/۹۰	همدان	۲۹
۲۲	۱/۵۳	۱۹	۱۳/۷۴	۲۷	۱۲/۹۰	یزد	۳۰

مأخذ: هفته نامه برنامه، شماره ۲۱۲ و یافته های تحقیق براساس داده های سالنامه آماری مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳

جدول ۴ - بهره وری نیروی کار بخش کشاورزی به تفکیک استان ها (۱۳۸۲)

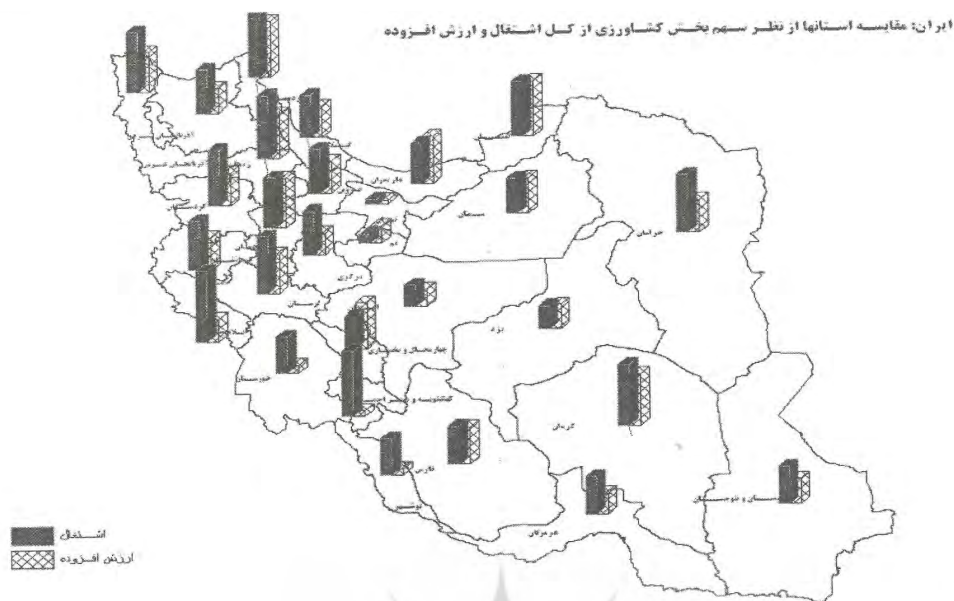
رتبه	بهره وری نیروی کار		ردیف	بهره وری نیروی کار		نام استان	ردیف
	رتبه	میلیارد ریال ارزش افزوده بر نفر بهره بردار		رتبه	میلیارد ریال ارزش افزوده بر نفر بهره بردار		
۱۵	۳	زنجان	۱۵	۱	۷/۵۴	تهران	۱
۱۶	۲/۶۰	آذربایجان غربی	۱۶	۲	۶/۸۴	قم	۲
۱۷	۲/۵۷	هرمزگان	۱۷	۳	۴/۶۱	سمنان	۳
۱۸	۲/۵۵	آذربایجان شرقی	۱۸	۴	۴/۰۴	فارس	۴
۱۹	۲/۵۳	لرستان	۱۹	۵	۳/۸۹	خوزستان	۵
۲۰	۲/۵۰	خراسان	۲۰	۶	۳/۶۹	قزوین	۶
۲۱	۲/۴۲	بوشهر	۲۱	۷	۳/۶۸	گلستان	۷
۲۲	۲/۲۹	یزد	۲۲	۸	۳/۵۹	اصفهان	۸
۲۳	۲/۲۱	کرمانشاه	۲۳	۹	۳/۵۱	مرکزی	۹
۲۴	۲/۱۴	کهگیلویه و بویراحمد	۲۴	۱۰	۳/۴۸	اردبیل	۱۰
۲۵	۱/۹۲	کردستان	۲۵	۱۱	۳/۴۵	همدان	۱۱
۲۶	۱/۵۲	گیلان	۲۶	۱۲	۳/۳۲	مازندران	۱۲
۲۷	۱/۳۴	ایلام	۲۷	۱۳	۳/۲۹	کرمان	۱۳
۲۸	۱/۰۹	سیستان و بلوچستان	۲۸	۱۴	۳	چهارمحال و بختیاری	۱۴

مأخذ: یافته های تحقیق براساس داده های سالنامه آماری مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳.

جدول ۵ - شاخص ترکیبی جایگاه کشاورزی در اقتصاد استان ها

شاخص ترکیبی		نام استان	ردیف	شاخص ترکیبی		نام استان	ردیف
رتبه	مقدار			رتبه	مقدار		
۱۵	۴۲/۴۸	فارس	۱۵	۱	۷۳/۸۶	اردبیل	۱
۱۶	۴۱/۰۷	گیلان	۱۶	۲	۶۳/۶۲	کرمان	۲
۱۷	۴۰/۰۲	کهگیلویه و بویراحمد	۱۷	۳	۶۱/۸۲	گلستان	۳
۱۸	۳۹/۴۷	سمنان	۱۸	۴	۶۰/۳۵	زنجان	۴
۱۹	۳۸/۵۵	آذربایجان شرقی	۱۹	۵	۵۶/۴۱	آذربایجان غربی	۵
۲۰	۳۶/۴۴	مرکزی	۲۰	۶	۵۵/۵۶	همدان	۶
۲۱	۳۵/۳۹	سیستان و بلوچستان	۲۱	۷	۵۳/۸۰	لرستان	۷
۲۲	۳۲/۳۴	هرمزگان	۲۲	۸	۵۲/۴۴	ایلام	۸
۲۳	۲۶/۶۴	یزد	۲۳	۹	۵۰/۶۵	خراسان	۹
۲۴	۲۵/۲۸	خوزستان	۲۴	۱۰	۴۸/۹۱	کردستان	۱۰
۲۵	۲۳/۴۰	بوشهر	۲۵	۱۱	۴۸/۳۳	مازندران	۱۱
۲۶	۲۱/۹۷	اصفهان	۲۶	۱۲	۴۵/۴۶	کرمانشاه	۱۲
۲۷	۱۵/۰۴	قم	۲۷	۱۳	۴۴/۵۲	چهارمحال و بختیاری	۱۳
۲۸	۴/۸۲	تهران	۲۸	۱۴	۴۲/۵۰	قزوین	۱۴

مأخذ: همان.



حال پس از ترسیم وابستگی زیاد مورد مطالعه به بخش کشاورزی، راهکار توأم نمودن رشد فرصت های شغلی مبتنی بر کشاورزی و بهبود بهره وری نیروی کار، بررسی می شود. هر چند انجمن اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد بر توسعه به کارگیری رهیافت های کاربر به منظور ایجاد فرصت های جدید شغلی، افزایش درآمد کارگران روستایی و مهارت های نوین تأکید کرده است، ولی به منظور دستیابی توأم به رشد و عدالت اجتماعی و محرومیت زدایی، رهیافت های انتخابی باید علاوه بر کاربر بودن، ارزش زایی فراوانی نیز داشته باشند. بطور کلی آمارها نشان می دهد که در سه دهه گذشته، بیشترین اشتغال در بخش کشاورزی، در وهله نخست در زمینه صنایع پشین و پیشین کشاورزی و در وهله دوم در زمینه فعالیت های تولیدی در زیربخش های کشاورزی ایجاد شده است و خدمات کشاورزی تا کنون با کمترین سهم در افزایش اشتغال روبرو بوده است. در بین فعالیت های کشاورزی، پرطرفت ترین آنها برای ایجاد اشتغال تولیدی به ترتیب فعالیت های کشت گلخانه ای و زیر پلاستیک، آبی پروری، دامپروری صنعتی و نیمه صنعتی، مرغداری و پرورش طیور، باغداری و صنایع جنبی کشاورزی بوده است (زاهدی مازندران، ۱۳۸۳: ۶۷-۴۱).

همان طور که اشاره شد، باغبانی (شامل گلخانه ها و باغداری) از جمله فعالیت های اشتغال زایی کشاورزی است. در واقع امکان مکانیزاسیون در باغبانی کمتر بوده و از زراعت کاربرتر می باشد. همچنین، فرآورده های جانبی متنوع و فراوانی که از محصولات باغی به دست می آید، بیشتر از تولیدات زراعی است که به نوبه خود می تواند مشاغل جدیدی را در برداشته باشد. فراتر از این موضوع، ایجاد صنایع روستایی وابسته به باغبانی (به ویژه میوه جات) ضرورتی مسلم و آشکار است؛ زیرا به دلیل نبود چنین زیرساخت هایی است که زیربخش باغبانی با ۲۸/۱ درصد، بالاترین میزان ضایعات را در کشور به خود اختصاص داده است (ابراهیمی، ۱۳۸۵).

به نظر علی مبارک^۱ (۲۰۰۶) انقلاب در فعالیت های باغی، به بهبود درآمدها و اشتغال کمک می کند؛ چرا که زیربخش باغی، بازده زمین را حدود ۱۰ برابر غلات افزایش می دهد؛ و اشتغال چشمگیری را ایجاد می کند (نزدیک به دو برابر غلات در هر هکتار از نهاده نیروی کار استفاده می کند). همچنین این زیربخش، خارج از مزرعه مشاغل بیشتری را در تولید، بسته بندی و بازاریابی پدید می آورد که زنان بسیاری این مشاغل جدید را برعهده می گیرند (World Bank, 2007). این انقلاب با ارزش بالا به

1- Ali Mubarik

همراه توسعه و بسط صادرات، ساختار اشتغال کشاورزی را نیز تغییر می دهد. اصلاحات دهه ۱۹۷۰ در شیلی، با افزایش کارگران دستمزدی کشاورزی به میزان ۶۸ درصد از نیروی کار کشاورزی همراه شد، درصدی که از سال ۱۹۹۰ افزایش داشته و در حال حاضر از میزان مشابه برای کارگران دستمزدی در اقتصاد غیرکشاورزی فراتر می رود. سهم کارگان دستمزدی از نیروی کار کشاورزی و نرخ افزایش آنان، در مناطقی که از یک جهش باغبانی صادرات محور برخوردارند، در بیشترین حد قرار دارد. برعکس این موضوع، نواحی دارای تأکید بیشتر بر فعالیت های سنتی (گندم، لبنیات و گوشت گاو) کاهش را از سال ۱۹۹۰ در تعداد کارگران دستمزدی، تجربه کرده اند (Vakdés and Foster, 2006).

با توجه به این ویژگی ها و پیامدهای مطلوب، بین سال های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ سطح زیرکشت محصولات باغی در جهان، بیش از دو برابر شده است. افزایش کل میوه جات و سبزیجات تجارت شده در دنیا، تحسین برانگیز بوده و امروزه، کل ارزش محصولات باغی بیش از دو برابر ارزش غلات تجارت شده است. چندین دلیل برای رشد جهانی تولید و تجارت میوه جات و سبزیجات وجود دارد که می توان به درآمدزایی بیشتر برای کشاورزان، کاربری بیشتر، تجاری کردن اقتصاد روستایی و ایجاد مشاغل خارج از مزرعه، اشاره کرد (Weinberger and Lumpkin, 2005).

به طور مشابهی، اسکوبال و همکاران (۲۶۷-۲۷۷، ۲۰۰۰) و جارویس و ورا-توسکانو، (۲۵۴-۲۶۰، ۲۰۰۴) با استناد به شواهد تجربی، تأکید کرده اند که باغبانی، دامداری و دیگر فعالیت های با ارزش بالا، قابلیت زیادی برای اشتغال زایی و رشد بهره وری دارند. به عنوان مثال، تولید سبزیجات می تواند تا پنج برابر، بیشتر از غلات به نیروی کار نیاز داشته باشد. تولید گوجه فرنگی در مکزیک به ۱۲۲ نفر/روز کارگر در هر هکتار نیاز دارد که این رقم، چهار برابر ۲۹ روز/کارگری است که به ازای هر هکتار ذرت، بدان نیاز است. نمونه های مشابهی را می توان در صادرات مارچوبه پرو و صادرات میوه شیلی یافت. البته باغبانی نیازمند سازگار کردن تولید کنندگان نیز است. باغبانی با دارا بودن تولیدات متفاوت و استفاده زیاد از نهاده های نقدی و شیمیایی، نیازمند مدیریت است. باغبانی به دلیل شیوع آفات و تغییر سریع قیمت ها و نیاز تولید میوه به سرمایه گذاری چندساله، برای جبران هزینه ها پر مخاطره است (Ali, 2006; Dinham, 2003).

با وجود این، دیویس^۱ نیز ضمن تصریح بر این موضوع که فعالیت های کشاورزی با ارزش بالا، قابلیت فراهم سازی فرصت های واقعی برای بهبود درآمدهای مزرعه و کاهش فقر در جهان در حال توسعه را دارد، چشم انداز امیدوار کننده ای را برای فعالیت های با ارزشی مانند باغبانی پیش بینی کرده است. وی تأکید دارد که عواملی مانند رشد و درآمد سرانه، مهاجرت، شهرنشینی و جهانی شدن، در حال تغییر رفتار مصرفی، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، به سوی تولیدات کشاورزی با ارزش بالا از قبیل میوه تازه، سبزیجات، دام، شیر، گوشت، ماهی و محصولات غیرچوبی جنگلی است (Davis, 2006). بنابراین ایران نیز از آنجا که مزیت نسبی جهان در ده ها محصول باغبانی عمده دارد، می تواند از این فرصت به خوبی برای اشتغال زایی و رشد استفاده کند.

نتایج تحقیق کنونی، کاربری بیشتر باغبانی را نسبت به زراعت نشان می دهد، به طوری که متوسط تراکم واحدهای بهره برداری در اراضی کشاورزی^۲ کشور ۲۶/۱۵ به ازای هر صد هکتار زمین کشاورزی است، این میزان در اراضی باغ و قلمستان، ۳۱/۳۹ واحده بهره برداری و برای اراضی زراعی ۲۳/۶۶ واحد می باشد. بنابراین با توجه به اختلاف چشمگیر موجود، می توان گفت فعالیت های باغبانی به مراتب، کاربرتر از فعالیت های زراعی است. میانگین تعداد بهره برداری ها در هر هکتار زمین زراعی و باغی برای منطقه شمال غرب، به ترتیب ۱۱۸/۹۴ و ۱۸/۶۹ می باشد. مقایسه هر دو شاخص در هر دو سطح ملی و منطقه شمال غرب با یکدیگر، بیانگر تراکم واحدهای بهره برداری در شمال غرب، در عین بالاتر بودن سهم کشاورزی در اشتغال آفرینی این استان ها است (جدول ۶).

1- Javis and Vera-Toscano

2 - Davis

3 - High- Value Agricultural (HVA)

۴- طبق تقسیم بندی مرکز آمار کشور، اراضی کشاورزی به سه گروه اراضی تحت آبش، اراضی زراعی (زیر کشت محصولات سالیانه) و اراضی باغی و قلمستان تقسیم می شوند.

جدول ۶ - تراکم بهره بردای ها در اراضی کشاورزی استان های شمال غرب (۱۳۸۲)

سهم استان از کل اراضی کشاورزی زیر کشت		تراکم بهره برداری ها در اراضی زراعی (در هر صد هکتار)		تراکم بهره برداری ها در اراضی باغی و قلمستان (در هر هکتار)		نام استان
رتبه کشوری	مقدار	رتبه کشوری	مقدار	رتبه کشوری	مقدار	
۴	۶/۶۶	۱۲	۲۱/۱۳	۱۱	۱۳۸/۶۷	آذربایجان شرقی
۵	۵/۸۲	۱۳	۲۰/۸۲	۲۳	۹۳/۸۷	آذربایجان غربی
۹	۴/۱۲	۲۵	۱۵/۹۹	۲۱	۹۴/۱۴	اردبیل
۱۳	۳/۴۹	۲۷	۱۳/۹۲	۹	۱۵۰/۲۰	زنجان
۵/۰۲		۱۸/۶۹		۱۱۸/۹۴		میانگین شمال غرب
۳/۳۳		۳۱/۳۹		۱۲۹/۰۲		میانگین کشوری

مأخذ: همان.

جدول ۷ - سهم استان های شمال غرب کشور، از اراضی و بهره برداری های باغی، زراعی و اراضی کشاورزی* کشور (۱۳۸۲)

نام استان	درصد مساحت اراضی باغی و قلمستان از کل اراضی کشاورزی زیر کشت استان		سهم استان از بهره برداری های باغی و قلمستان کشور		درصد مساحت اراضی زراعی از کشاورزی زیر کشت استان		سهم استان از مساحت کل اراضی زراعی کشور		سهم استان از بهره برداری های زراعی کشور	
	رتبه کشوری	درصد	رتبه کشوری	درصد	رتبه کشوری	درصد	رتبه کشوری	درصد	رتبه کشوری	درصد
آذربایجان شرقی	۱۹	۵/۱۹	۴	۶/۳۹	۵	۹۱/۲۹	۱۲	۶/۸۵	۳	۶/۳۹
آذربایجان غربی	۱۵	۵/۱۸	۵	۴/۳۳	۹	۹۰/۰۳	۱۶	۵/۹۰	۵	۵/۴۲
اردبیل	۲۴	۱/۷	۲۰	۱/۴۲	۲۳	۹۵/۴۵	۷	۴/۴۳	۹	۳/۱۲
زنجان	۲۲	۲/۲۳	۱۴	۲/۹۸	۱۴	۹۲/۸۵	۹	۳/۶۵	۱۲	۲/۲۴
میانگین شمال غرب	۷/۹۶	۳/۵۸	۳/۷۸	۹۲/۰۴	۵/۲۱	۴/۲۵				
میانگین کشوری	۱۵/۷۷	۳/۳۳	۳/۳۳	۸۴/۲۳	۲/۳۳	۳/۳۳				

* در این جدول، اراضی کشاورزی شامل اراضی تحت کشت باغی و قلمستان و زراعی بوده و اراضی تحت آیش را در بر نمی گیرد. مأخذ: همان.

همان طور که در جدول ۷ آمده این امر نشأت گرفته از سهم بیشتر این منطقه از اراضی باغ، قلمستان و زراعی نسبت به متوسط سهم کل استان ها است. از این رو شاید بتوان گفت امکان یکپارچه سازی اراضی و افزایش بهره وری در این منطقه بیشتر خواهد بود. همچنین اقلیم حاکم بر منطقه شمال غرب کشور، زمینه را برای رشد و پرورش درختان مناطق معتدله از قبیل سیب، زردآلو، بادام و ... که کشور در تولید آنها مزیت نسبی بالایی در سطح جهانی دارد و نیز برای راه اندازی کشت های گلخانه ای به منظور کشت در تمام طول سال، فراهم ساخته است. امروزه، سیاست های کلان کشاورزی نیز برای بهره برداری مناسب از این مزیت های نسبی می باشد. البته با وجود این، تنها در حدود ۸ درصد از اراضی این منطقه، باغی و قلمستان بوده و ۹۲ درصد بقیه زراعی است. حتی سهم اراضی باغی و قلمستان از کل اراضی کشاورزی کشور، دو برابر میزان متناظر آن در منطقه- حدود ۱۶ درصد- است (جدول ۷).

یکی دیگر از زمینه های ظرفیت سازی برای اشتغال آفرینی کشاورزی، به ویژه در شمال کشور، احداث گلخانه است؛ زیرا با توجه به اقلیم آب و هوایی سرد و معتدل منطقه شمال غرب، احداث گلخانه ها، در این استان ها (نسبت به دیگر مناطق) ظرفیت و توجیه اقتصادی بیشتر دارد. به عبارت دیگر در زمستان های سرد استان های شمال غرب که امکان کشت به صورت گسترده^۱ در این مناطق وجود ندارد و عملیات زراعی پایان یافته و بیکاری های فصلی کشاورزان آغاز می شود، ایجاد و احداث گلخانه ها، بستر لازم برای کشت و کار دائمی محصولات و اشتغال آفرینی در عین افزایش ارزش افزوده و بهره وری بخش کشاورزی را ایجاد می کند.

با وجود این اقلیت، سهم استان های مذکور از گلخانه ها در مقایسه با توانمندی بالای آنها بسیار پایین است. ضریب تغییرات^۲ دو شاخص درصد تعداد گلخانه و درصد مساحت گلخانه ای حاکی از توزیع نامتعادل، نامتناسب و غیراقتصادی گلخانه هاست چرا که ضریب تغییرات برای توزیع تعداد گلخانه ها ۱۸۴/۷۴ و برای توزیع مساحت آنها ۱۸۱/۱۶ می باشد (جدول ۸).

1 - Extensive

2 - CV

جدول ۸ - توزیع تعداد گلخانه ها و مساحت آنها به تفکیک استانی (۱۳۸۲)

ردیف	نام استان	درصد تعداد گلخانه		ردیف	نام استان	درصد مساحت گلخانه		ردیف	نام استان	درصد مساحت گلخانه	
		رتبه	مقدار			رتبه	مقدار			رتبه	مقدار
۱	آذربایجان شرقی	۱۳	۱	۱۶	فارس	۱۶	۰/۴۵	۹	۱/۴۵	۱۲	۱/۲۳
۲	آذربایجان غربی	۲۲	۰/۳۹	۱۷	قزوین	۲۴	۰/۲۱	۱۴	۰/۵۴	۱۵	۰/۶۲
۳	اردبیل	۲۵	۰/۲۷	۱۸	قم	۲۲	۰/۲۵	۲۲	۰/۲۵	۲۳	۰/۳۲
۴	اصفهان	۲	۱۶/۷۲	۱۹	کردستان	۳	۱۸/۳۵	۲۷	۰/۱۲	۲۳	۰/۳۲
۵	ایلام	۱۹	۰/۵۳	۱۷	کرمان	۱۷	۰/۴۱	۲	۱۹/۹۲	۵	۸/۲۳
۶	بوشهر	۲۹	۰/۱۳	۲۷	کرمانشاه	۲۷	۰/۱۲	۱۵	۰/۵۰	۱۸	۰/۵۶
۷	تهران	۳	۱۱/۷۶	۱	کهگیلویه و بویراحمد	۲۰/۵۴	۲۲	۲۷	۰/۱۲	۲۷	۰/۱۵
۸	چهارمحال و بختیاری	۲۱	۰/۴۳	۲۲	گلستان	۲۲	۰/۲۵	۱۸	۰/۳۷	۱۴	۰/۷۵
۹	خراسان جنوبی	۲۶	۰/۲۲	۲۹	گیلان	۲۹	۰/۰۸	۱۰	۱/۳۶	۷	۳/۳۴
۱۰	خراسان رضوی	۸	۲/۴۲	۱۱	لرستان	۱۱	۱/۱۲	۲۴	۰/۲۱	۱۵	۰/۶۲
۱۱	خراسان شمالی	۲۸	۰/۱۴	۳۰	مازندران	۳۰	۰/۰۴	۴	۹/۳۴	۱	۲۸/۱۲
۱۲	خوزستان	۱۰	۱/۴۴	۷	مرکزی	۷	۴/۹۲	۵	۷/۵۶	۶	۷/۰۱
۱۳	زنجان	۲۰	۰/۴۶	۲۰	هرمزگان	۲۰	۰/۳۳	۱۳	۰/۵۸	۲۹	۰/۱۳
۱۴	سمنان	۱۱	۱/۲۸	۱۲	همدان	۱۲	۱/۰۳	۱۸	۰/۳۷	۱۷	۰/۵۹
۱۵	سیستان و بلوچستان	۹	۲/۰۳	۸	یزد	۸	۱/۷۴	۶	۷/۴۸	۴	۸/۷۷

مأخذ: یافته های تحقیق براساس داده های مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی

براساس یافته‌های پژوهش، متوسط سهم استان‌های هدف از مساحت گلخانه‌های کشور، ۰/۳۱ درصد و از تعداد گلخانه‌ها، ۰/۵۳ درصد و در مقابل، سهم استان خوزستان از تعداد گلخانه‌ها ۱/۴۴ و از مساحت گلخانه‌ها ۴/۹۲ درصد است. این در حالی است که ایجاد محیط بسته برای کشت در نقاط گرمسیری مانند خوزستان که زمستان‌های معتدل و تابستان‌های بسیار گرم دارد فاقد توجیه فنی و اقتصادی است.

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

طبق یافته‌های تحقیق، از یک سو متوسط سرانه زمین کشاورزی (میانگین تعداد بهره‌برداران) در هر صد هکتار زمین) در منطقه مورد مطالعه از میانگین کشوری، بیشتر بوده که حاکی از فراهم‌تر بودن زمینه یکپارچه‌سازی اراضی و بهبود بهره‌وری و رشد کشاورزی در این منطقه است. از سوی دیگر، با توجه به شاخص‌های مطالعه‌شده، این منطقه وابستگی بیشتری به بخش کشاورزی داشته و در عین حال بهره‌وری نیروی کار کشاورزی آن در مقایسه با میانگین کشوری پایین‌تر می‌باشد. همچنین با توجه به اقلیم و وضعیت مناسب برای توسعه فعالیت‌های باغبانی (اعم از باغی و گلخانه‌ای) در شمال غرب کشور استان‌های این منطقه از جایگاه مناسبی در خصوص سهم اراضی باغی از اراضی کشاورزی خود برخوردار نبوده و علاوه بر آن مشارکت و نقش کمتری را در توسعه گلخانه‌ای کشور، ایفا کرده‌اند.

یافته‌های فوق بر لزوم توجه بیشتر از پیش به توسعه و بهینه‌سازی باغات میوه، گلخانه‌ها و تقویت ارتباط آنها با صنایع جانبی، به منظور اشتغال‌آفرینی روستایی و افزایش بهره‌وری تأکید می‌کند. به منظور اشتغال‌زایی کشاورزی در منطقه شمال غرب با توجه به استعداد و وضعیت این منطقه، موارد ذیل پیشنهاد می‌شود. این راهکارها به گونه‌ای است که در عین افزایش فرصت‌های شغلی و مدیریت نیروی فعال روستایی، افزایش بهره‌وری را نیز در پی دارد:

۱. **هدایت مازاد نیروی زیربخش زراعت به باغبانی:** زیربخش زراعت، سرمایه برتر از زیربخش باغبانی است و امکان افزایش بهره‌وری با مکانیزاسیون فراهم‌تر می‌باشد. به عبارت دیگر زراعت به نیروی کار کمتری نیاز دارد، بنابراین سوق دادن و نگه داشتن نیروی انسانی در این زیربخش، غیرمنطقی خواهد بود. از این رو به دلیل عدم امکان مکانیزه نمودن کامل عملیات باغی و نیاز بیشتر آن به جذب نیروی کار، باید سیاست‌ها و برنامه‌ها را به گونه‌ای طراحی کرد تا در نهایت جمعیت مازادی که در حال حاضر سبب کاهش امکان یکپارچه‌سازی اراضی زراعی، مکانیزاسیون و در نتیجه افت بهره‌وری شده است، به زیربخش باغبانی منتقل شود که کشت بیشتری دارد. در صورت تحقق فاز اول؛ یعنی توسعه باغات میوه و انتقال نیروی مازاد به آنها، زمینه انجام عملیات مؤثر در افزایش بهره‌وری زراعت فراهم خواهد شد. گفتنی است در این راهکار، سیاست خودکفایی در تولیدات راهبردی نیز در چارچوب کشاورزی پایدار مورد توجه قرار گرفته است، چرا که با یکپارچه‌سازی اراضی زراعی و بهره‌گیری مناسب از سرمایه و نیروی کار، سطح تولید این محصولات افزایش می‌یابد. بدین ترتیب ضمن تقویت زیربخش باغبانی و اشتغال‌زایی، زمینه مناسبی برای افزایش تولید محصولات راهبردی و تحقق خودکفایی فراهم شود.

از سویی، با توجه به این که امروزه فرسایش خاک یکی از جدی‌ترین چالش‌های کشاورزی کشور تلقی می‌شود، می‌توان با گسترش کشت درختانی مانند انگور، بادام دیم و ... در اراضی شیب‌دار- که برای زراعت نامناسب بوده و کشت

محصولات یک ساله در آنها منجر به فرسایش خاک و تخریب منابع طبیعی شده است- از فشار روزافزون کشاورزی بر منابع طبیعی کاست. البته در اوضاع کنونی با توجه به فسادپذیری بیشتر محصولات باغی و نبود تأسیسات انبارداری و نیز فقدان سازوکارهای کارآمد برای خرید تولیدات باغی با قیمت مناسب، باغدارها در امر تولید، متضرر می شوند. در نتیجه، یکی از شروط لازم برای به ثمر رسیدن نهایی این راهکار، ایجاد تأسیسات سردخانه ای و نیز مکانیزم مناسب برای بازاریابی محصولات باغی خواهد بود.

۲. گسترش صنایع جانبی مرتبط با محصولات باغی: از آنجا که تنوع فرآورده های میوه جات بسیار بیشتر از محصولات زراعی است، از این رو با توسعه و گسترش باغات و افزایش تولید میوه، مواد خام مورد نیاز صنایع جانبی و فراوری میوه جات تأمین شده و نیز بستر لازم برای بسط و گسترش هرچه بیشتر صنایع روستایی فراهم می شود. اهمیت ایجاد چنین صنایعی با توجه به آمار ارائه شده که بیشترین ضایعات کشاورزی به محصولات باغی مربوط بوده معلوم می شود.

۳. یکپارچه سازی اراضی زیرکشت: با ایجاد صنایع جانبی، فرصت های شغلی جدیدی پدید می آید که به نیروی مازاد کشاورزی تعلق خواهند گرفت. با خروج هرچه بیشتر این نیرو از اراضی، زمینه یکپارچه سازی آن بیش از پیش فراهم می شود.

۴. احداث مجتمع های گلخانه ای: اقلیم مناسب شمال غرب، زمینه را برای ایجاد مجتمع های گلخانه ای فراهم می کند. به کارگیری روش های نوین و پربازده و نیز استفاده از زمین در تمام طول سال که از مزایای گلخانه ها می باشد، به افزایش بهره وری نیروی کار و نیز افزایش اشتغال زایی منجر می شود. البته توسعه تولیدات گلخانه ای باید با توجه به ملاحظات محیط زیستی انجام پذیرد.

در نهایت، این فرایند چند مرحله ای سبب تنوع آفرینی در فعالیت های اقتصادی روستا، افزایش ارزش افزوده محصولات باغی، رشد بهره وری و افزایش درآمد روستائیان خواهد شد. الگوی مورد اشاره، باید با رعایت ملاحظات وضعیت اقلیمی، ویژگی های خاک و آب و به طور کلی تر، الگوی کشت عملیاتی شود. همچنین باید دیگر سرمایه گذاری های چند ساله، چه مادی و چه انسانی، با هدف فراهم ساختن زمینه های لازم سوددهی و توأم نمودن اشتغال زایی و رشد بهره وری، انجام پذیرد. البته به منظور نتایج جامع تر در خصوص اشتغال آفرینی روستایی پایدار، باید مطالعات گسترده تری با در نظر گرفتن دیگر زیربخش های کشاورزی و نیز دیگر مناطق کشور انجام شود.

منابع:

۱. ابراهیمی، امیر (۱۳۸۵)، «ضرورت صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی»، سازمان خبری کشاورزی ایران، تهران.
۲. البوت، جنیفر (۱۳۷۸)، مقدمه ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه رکن الدین افتخاری و حسین رحیمی، تهران، مؤسسه توسعه روستایی ایران.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵). خلاصه تحولات اقتصادی کشور ۱۳۸۴، تهران، اداره روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۴. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۵). «کنترل نرخ بیکاری در زمستان ۱۳۸۵»، تهران، هفته نامه برنامه، شماره ۲۱۲.
۵. زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۳). «ضرورت های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی، تهران، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
۶. زاهدی، محمد جواد و محمدرضا کازرونی (۱۳۷۹). کارآفرینی در بخش کشاورزی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
۷. عزیز، جعفر و سید یزدانی (۱۳۸۳). «تعیین مزیت نسبی محصولات باغبانی عمده ایران»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی، تهران، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
۸. مرکز اطلاعات و مدارک عملی کشاورزی (۱۳۸۵). وب سایت بانک باغبانی وزرات جهاد کشاورزی، سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، تهران.
۹. مرکز آمار ایران (۱۳۸۲). «حساب های ملی، حساب های منطقه ای (حساب تولید استان های کشور)»، دفتر انتشارات و اطلاع رسانی مرکز آمار ایران، تهران.
۱۰. (۱۳۸۳). سالنامه آماری ۱۳۸۲ کشور، دفتر انتشارات و اطلاع رسانی مرکز آمار ایران.
۱۱. (۱۳۸۷). سالنامه آماری کشور ۱۳۸۶، دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران.
۱۲. (۱۳۸۷). سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور ۱۳۸۵، تهران، دفتر انتشارات و اطلاع رسانی مرکز آمار ایران.
۱۳. مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۳). «توانمندی های بخش کشاورزی در مواجهه با بحران ملی بیکاری»، مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش «کشاورزی و توسعه ملی»، جلد ۲: کشاورزی و متغیرهای اقتصاد کلان، تهران، مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی.

- 14-Ali, Mubarak (2006) "Horticulture Revolution for the Poor: Nature, Challenges and Opportunities." Background Paper for the WDIR 2008
- 15-Davis, Junior R. (2006). "How Can the Poor Benefit from the Growing Markets for High Value Agricultural Products? Natural Resources Institute
- 16-Department of Economic and Social Affairs (2004). Population Division World Urbanization Prospects: The 2003 REVISION", New York: United Nations
- 17-Dinham, Barbara (2003), "Growing Vegetables in Developing Countries for Local Urban Populations and Export (Markets: Problems Confronting Small-Scale Producers." Pest Management Science 59(5)
- 18-Escobar, Javier and Thomas Reardon Reardon, & Victor Agreda (2000). "Endogenous Institutional Innovation (and Agro-industrialization on the Peruvian Coast." Agricultural Economics 23(3)
- 19-FAO. (Accessed at 2009). Food and Agricultural Commodities Production. Available at: <http://foostat.fao.org/site/339/default.aspx>
- 20-Jarvis, Lovell and Esperanza Vera-Toscano (2004) "Seasonal Adjustment in a Market for Female Agricultural (Workers." American Journal of Agricultural Economics 86(1)
- 21-Person, Lars Olof, and Olof Bolin (1981). "Agricultural Planning for Regional Balance. European Review of Agricultural Economics. Vol 8, No 4
- 22-The World Bank (2007). World Development Report 2008: Agriculture for Development